



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۱۹/۰۲/۰۷

محمد خیبر و هابزاده

چرا عده افغانها از استقلال، حاکمیت ملی در وطن خود هراس دارند، آیا به اشغال عادت کرده اند؟

افغانستان از تاریخ ۲۷ اپریل ۱۹۷۸ تا امروز یعنی ماه فبروی ۲۰۱۹ استقلال، حاکمیت ملی، کلتور و عُرف و عادات مشروع افغانی خود را از دست داده، حکومت در کابل تحت اشغال و یا تحت تأثیر ممالک غیر بوده. حکومت افغانستان در مدت فوق توانایی آنرا نه داشتند که به مردم و ملت خود روزی یک افغانستان آزاد، با حاکمیت ملی، با امن پیشرفته و پای خود استاده را بدهند.

تا اکثر مردم از صمیم قلب به رضا و رغبت از ایشان دفاع و مسولین سطح بالا ایشان را منحیث شخصیت یا اشخاص والای کشور طرف اعتماد و قبول خود قرار دهند. مطمئن باشیم تا آنکه یک حکومت کاری که در راه آبادی کشور و رفاه مردم قد علم و تشکل پیدا نکند اکثر قاطع مردم هرگز وصف همچو حکومت و اشخاص غیر ملی را نه خواهند کرد و نزد همه مردم افغانستان میرا از طرز تفکر، عقیده جهت و سمت مردود خواهند بود.

ملیونها افغان مهاجر، شهید، کشته و معیوب شدند. و هنوز قافله ختم بدبختیها به نظر نمی رسد علت اساسی این همه بدبختیها منوط به روش، کردار نامطلوب، نداشت فهم کافی از طرز فکری اقشار جامع، آگاهی کافی از آرزوها و آرمانهای مشروع شان، حس مسولیت، خدمت صادقانه یعنی نداشتن تقوا کافی بوده.

قبل از اینکه به مرور چهار سال گذشته به امید فردای مطلوب و با صلح بروم یک چشم دید خود را که به یقین به سر گذشت ملیونها افغان دلسوز، وطن دوست از هر جهت و سمت افغانستان که هستند و بودند مطابقت میکند. به تاریخ روز پنجشنبه ۲۷ اپریل ۱۹۷۸ م حوالی ۴ بجه بعد از ظهر ۳ جوان افغان با هم یکجا شدند تا راجع به کودتای کمونستی خلق و پرچم با هم تبادل افکار کنند. بعد از مرور اوضاع یکی دوست از جیب خود یک قران عظیم الاشان جیبی را که در سفر با خود داشت کشید و بالای میز گذاشت و هر سه نفر سوگند یاد کردن که تا زنده هستند علیه کمونیزم و احزاب الهادی خلق و پرچم و برای یک افغانستان آزاد و مستقل مبارزه خواهند نمود و یکی بعد دیگر در صف مجاهدین آن زمان مانند ملیونها افغان دیگر بستند و تا ختم جهاد فی سبیل الله ۲۷ اپریل ۱۹۹۲ م بدون طمع در ستر جهاد مردم افغانستان حصه گرفتند که تا امروز دوعای من به ایشان و ملیونها افغان دیگر در هر جایکه هستند. الله ج یار و یاور زندگی پر افتخار شان باشد.

اینکه چرا افغانستان در این چهار سال اخیر هنوز هم آرام نمیشود علت اولی و اساسی آن در موجودیت اشخاص وطن فروش، قاتل، کافر، بی اعتنا به سوگند، غلام و برده بوده که بالنوبه از یک افغانستان غریب اما سر بلند و با افتخار یک مملکت ذلیل و به خاک یکسان ساختند. و غیر از مرگ، ذلت و نفاق در ملک کدام ارمغان دیگری نداشتند. حکومت در چهار سال گذشته در کابل که علت مشکلات بوده اند مانند کمونستهای خلق و پرچم، مجاهدین، طالبان و حکومت امریکائی که هنوز زمام امور را بدست دارد ذیلاً:

اول: حکومت کمونستی خلق و پرچم از ۲۷ اپریل ۱۹۷۸ الی ۲۷ اپریل ۱۹۹۲ م یکی از وحشی ترین سیستم قرن بیست در تاریخ افغانستان بود که تنها از شخصیتهای تعلیم و تحصیل یافته افغانستان تقریباً زیاده از ۱۶ هزار از فشرعلمی، سیاسی و علمای را که به سویه بین المللی حایز فهم و دانش بودند، یعنی طبقه « ایلیت » افغانستان را که در منطقه بدون غلو نظیر آن کم بود از دوایر دولتی و پوهنتون کابل و مکاتب ولایات مختلف جمع کردند با عده زیادی از شخصیتهای جوان و وطن دوست یکجا در سالهای اول قدرت خود به شکل رقت باره شهادت رساندند یعنی دست و پای افغانستان را قطع، چشمهای وطن را کورو فکر های مسلسل تاریخی حس وطن دوستی ملت را غالباً تا امروز خاموش ساختند؛ عده قلیل از دانشمندان بعد از حبس و شکنجه هایی غیر قابل تصور به مشکلات بی نظیر از ملک فرار و با چشمان پر از گریه مجبور به ترک وطن شدند و به ممالک مختلف بیگانه جبراً پناهنده شدند. یکی

د پانو شمیره: له ۱ تر ۳

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رایرلو مخکې په خیر و لولئ

از علت اساسی که تا امروز افغانستان به پای خود استاده شده نمی تواند همان قتل عام قشر وطن دوست، سمبال به علوم مختلف بود.

در دوره کمونستها هنوز زیر بنای خوب اقتصادی نسبتاً میراث خوبی که از دوره شاهی مرحوم پادشاه سابق محمد ظاهر شاه و شهید رئیس جمهور سردار محمد داود خان مانده موجود بود صرف همه چیز به خود رنگ خون را گرفته بود. اما تمام امور سیاسی، نظامی، اقتصادی و خصوصاً اجتماعی بدست متخصصین روسی بود و کمونستهای افغان کم جرأت پیشنهاد و ابراز نظر مقابل روس ها را داشتند.

آزادی نسبی فردی و گروهی مکمل به افراد حزب خلق و پرچم بود ملت از هر نوع ابزار نظر غیر از قاموس کمونستی به شکل قاطع محرم بود. در روز های اخیر زندگی سیاسی و بعد از کسر قدرت کمونستهای خلقیها و پرچمیها حکومت خود را هر یکی نظر به میلان فکری تحت بررسی قرار داده اند، عده زیاد شان از عملکرد خود و حکومت کمونستی ناراضی بی اتفاقی و خود خواهی را در حزب شان سبب از بین بردن نظام خود می دانند، اما از حقیقت موضوع که حامی شان اتحاد جماهیر شوروی یعنی فدراتیف روسیه امروز نسبت جهاد مقدس مردم مسلمان افغانستان به زانو رفته بود، نه توان جنگ را داشت و نه دیگر در خزانه شان پول باقی مانده بود که رفقای خود را در کابل تمویل کند عموماً اینکار میکنند .

دوم: حکومت مجاهدین و طالبان که از ۲۷ اپریل ۱۹۹۲م در کابل شروع و در اکتوبر و نوامبر ۲۰۰۱ ختم شد. بعد از انتقال حکومت موقت مجاهدین از پشاور به کابل چند روز در کابل آرامی و شادمانی توسط فیر های غیر مسولانه در جریان بود. مردم در افغانستان نسبتاً در فقر زندگی میکردند چون کمکهای بلاک شرق قطع شده بود. فابریکه ها و تعمیرات که در جنگ گذشته خراب نشده بود اکثرأ فعال بود. قوای نظامی با تجهیزاد بی نظیر در منطقه تسلیم مجاهدین شد مردم کمی امید وار بودند که برادران مجاهد شان بالای زخم هایشان ملهم بگذارند و منحصیث یک مسلمان خوب با ایشان رفتار خواهند کرد و حالت اقتصادی شان بهتر خواهد شد که انطور نشد، بعد از مدتی کوتاه جنگهای داخلی به شمول عده احزاب مجاهدین و نظامیان حکومت کمونستی و ملیشه های دوره کمونستی یک با دیگر داخل جنگ شدند. افغانستان و خصوصاً شهر کابل را به کلی خراب کردند و شهر که در عرف و عادات والای افغانی و آبادی صد ها سال قدامت تاریخی داشت با اتباع شان به خاک و خون کشیدند و زیادتر از ۷۵ هزار کابلی را شهید به عزت و عفت مردم و حریم شان تجاوز کردند و در عین جنگ از هیچ نوع جنایت غیر انسانی، اسلامی و افغانی و بشری که در تاریخ افغانستان به آن پیمانه وحشت و بربریت ظلم افغان بالای افغان دیگر سراغ نمیشود دریغ نه نمودند. در این جنگهای داخلی تمام احزاب جهادی و اعطای شان اشترک نکردند و آنرا جهاد نه نامیدند و جنگ داخلی را غیر اسلامی ودوراز عرف و عادات خوب افغانی مردود دانستند.

در وقت حکومت بنام مجاهدین و ملیشه ها علاوه بر ویرانی مکمل زیر بنای اقتصادی، قوای نظامی افغانستان را منحل نمودند و تجهیزات بسیار پیشرفته نظامی را به قیمت آهن به ممالک همجوار فروختند و افغانها را برای مدت زیاد از دفاع از حریم شان محروم ساختند. چون افغانستان دیگر از افغانیت و اسلامیت واقعی به بی راهه گشیده بود مردم آنقدر به ستوه آمده بودند که به مجرد ظهور طالبان و چند برخورد موفق مصلحانه شان با چند گروه و اشخاص غیر مسول به خاطری صلح و امنیت جانشان آنرا لیبیک گفتند و طالبان به أسرع وقت به کمک مردم عام تقریباً تمام افغانستان را تحت تسلط خود آوردن و امنیت کلی را در ملک از برکت دوعا های مردم همان وقت برقرار کردند. طوری که قبلاً اظهار شد افغانستان مطلق یک خرابه، مردم نیم نفس و نیم زنده مانده بودند کمکهای خارجی نبود اما افغانها با امن جان، مال و خانه، امن بیت المال به زندگی بخور و نه میر زندگی می کردند. اما همه امکانت که یک جامع به اساس آن یک زندگی نسبتاً مرفع و خوش که بعد از جنگ به آن نیاز دارد یا دیگر موجود نبود و یا اجازه داده نمی شد. چون یک قشر معین به تنهایی در قدرت بود .

سوم: حمله مستقیم امریکا و متحدینش در اواخر سبتمبر ۲۰۰۱ م بر حریم افغانستان، که منجر به از بین بردن حکومت طالبان شد ارمانی بهتر با خود نداشت چون همان گروها و احزاب خرابکار و شکست خورده از طرف طالبان راجع با چند غلام و برده که قبلاً آماده کرده بودند به کابل آوردند و به کرسی قدرت په پول فراوان که در تاریخ معاصر افغانستان کدام لاتی یا لاتیان ؛ به آن اندازه به نوکری و غلامی استخدام نشده بود پرداختند که تا امروز فیروزی ۲۰۱۹ م جریان دارد. بلاخره به صورت کل در اواخر سال ۲۰۱۸ م حکومت امریکا تحت ریاست ریس جمهور شان دونالد ترمپ که در اصل یک سرمایه دار است متوجه شد که با وجود استفاده از منابع زیر و سر زمینی افغانستان بعد از ضرب و تقسیم ملتفت شد که مصرف سالانه امریکا در افغانستان زیادتر از ۵۰ میلیارد دالر است که برای امریکا با مصرف ۱۴ سال گذشته امریکا در افغانستان و شرق میانه که تقریباً یک هزار و دوصد ملیارد دالر نشان داده شده (ارقام منابع خود امریکا) دیگر همانطوریکه کمر اقتصاد شوروی را شکستاند و از هم پاشاند به امریکا هم سرایت خواهد کرد. همان بود که به صلح با طالبان راضی و طوری معلوم میشود که اگر در جهان یا

منطقه کدام واقعه غیر مترقبه رخ ندهد در صورت یک موافقه صلح با طالبان و تفاهم بین افغانها از افغانستان تمام قوای نظامی خود را خارج خواهد ساخت .

علت اساسی که عده از افغانها از اشغال و استعمار از ۲۷ اپریل ۱۹۷۸ م تا امروز فبروری ۲۰۱۹ م دفاع کرده اند و یا میکنند منوط به منافع شخصی و گروهی ایشان بوده و است که بیرون کمک غیر دربین مردم خود یا دیگر مطرح نیستند و یا به بستر آرام اشغال و استعمار آنقدر عادت کرده اند که ترک از آن برای شان مشکل به نظر می رسد .

آینده سیاسی افغانستان مربوط به آن میشود: که افغانها از همین تاریخ چهل سال فلاکتبار و بربادی، لاتی بودن وحشت، بربریت، شر و فساد، استبداد، ظلم، وطن فروشی غلامی و بردگی که بالای مردم خود روا داشته اند چقدر آموخته اند و چقدر تقوا، حس ملی و وطن دوستی در ایشان باقی مانده.

لذا باید همه بدانند که مردم افغانستان دیگر جنگ و در بدری نمی خواهند اکثریت قاطع مردم منتظر صلح سرتاسری با تدبیر و پایدار هستند و در این ۱۷ سال به اندازه کافی اسارت، اشغال و جنگ را لمس کردن و به نتیجه نهایی رسیدن که صلح یگانه راه حل معطله چهل ساله افغانستان است. اینکه تا حال چرا صلح و آرمش در ملک نیامده ابعاد مختلف دارد که توسط متخصصین چیز فهم حلاجی شده. اما اینکه در این مقطه زمانی تعیین کننده حکومت کابل برای آمدن صلح از زرو، قهر، چپغ بی جا و بی بنیاد به خاطری انحصار و دوام قدرت ظاهراً بی اعتنایی نشان می دهد ، عملی است خطرناک و پس رفت افغانستان به حادثات نا هنجار دهه ۹۰ میلادی قرن گذشته. در عین زمان طالبان با وجود اینکه ضد غلامی، بردگی و اسارت قد علم کردند و نسبتاً مهم ملت افغانستان سختیها و مشقتها بیشتری بالای خود و فامیل هایشان متقبل شده اند می دانند که بازگشت ایشان در وطن به این معنی نیست که ایشان در کل بهتر نسبت به افغانهای آزادمنش دیگر هستند. حکومت موفق و کم موفق در تاریخ سیاسی افغانستان به دو اصل اساسی استوار بوده:

ما همه افغان هستیم، ما همه مسلمان هستیم

و حکومت که در مسیر عسیر تاریخ کشور افتخارات تاریخی نصیب شان شده آن حکومتی بوده اند که از عدل، انصاف و اعتدال حد اعلا استفاده نموده اند و خودشان و همکارانشان با تقوا و پر هیزگار بودند.

ومن الله التوفیق